

نقش تعاونیها در سازماندهی بخش غیررسمی اقتصاد

(قسمت دوم)

● محمد طاهر احمدی
عضو هیأت علمی دانشگاه
فردوسی مشهد

۶- جنبه‌های غیرمفید مشاغل غیررسمی

بخش غیررسمی علیرغم کمکهایی که به اقتصاد می‌کند دارای عوارض منفی زیادی نیز می‌باشند.

۱- از اهمیت و ارزش کارهای مولد می‌کاهد. این طریقه راحت معیشت با

امکانات و استعدادهای ایجاد در آمدی که دارد چون یک بیماری مسری و سوسه‌کننده بوده همواره رقیب عمده‌ای برای کارهای سالم و مولد به حساب می‌آید و شرایط رقابت را برای تولیدکنندگان در بخش رسمی اقتصاد سخت‌تر کرده که این خود نهایتاً منجر به افزایش هزینه‌های تولید و کاهش

رفاه جامعه می‌شود. توجه به این نکته مهم است که فعالیتهای غیررسمی یک سلسله هزینه‌های اضافی را به دنبال دارد.

۲- از آنجا که فعالیت‌های اقتصادی در بخش غیررسمی عمدتاً به صورت مبادلات پولی انجام می‌گیرد استفاده از سیستم مدرن مبادلاتی که مزایای زیادی در کنترل حجم و نوع فعالیتها و کمک به سیستم مالیاتی را در پی دارد عملاً غیرممکن می‌شود.

۳- فعالیتهای غیررسمی در آمارهای اقتصادی منعکس نمی‌شوند لذا دستیابی به آمار واقعی تولید درآمد صادرات و اشتغال غیرممکن شده و در نتیجه مانع از تنظیم سیاستهای مناسب اقتصادی خواهد شد.

۴- عدم رعایت قوانین مربوط به تأمین شرایط محیط کار و تأمین اجتماعی و مالیات.

۵- استفاده از نیروی کار بچه‌ها، زنان و سالمندان و معلولان در شرایطی بسیار سخت و نامناسب در حالیکه این گروهها بیشتر نیاز به استراحت بیشتری دارند و اگر کار کنند شرایط کاری آنها باید مناسب باشد.

۶- عدم پرداخت مالیاتها و عوارض دولتی

۷- رقابت ناعادلانه با بخش رسمی. این بخش چون بسیاری از عوارض و مالیاتها را پرداخت نمی‌کند، بنابراین قیمت تمام شده آن پایین‌تر از بخش رسمی است و می‌تواند در قیمت‌های پایین‌تر کالاها را عرضه کند.

۷- تجزیه و تحلیل اطلاعات استخراج شده از نمونه‌گیری مشاغل غیررسمی در سطح شهر مشهد

بر طبق مطالعات و شواهد موجود می‌توان گفت مشاغل غیررسمی بخصوص در بعد دستفروشی و کار خانگی بیشتر در شهرهای بزرگ متمرکز شده‌اند و در شهرهای کوچک کم جمعیت از آنها خبری نیست یا اینکه آمار آن در حد بسیار پایینی است. در این ارتباط و به منظور بررسی تنوع و ویژگیهایی اینگونه مشاغل اقدام به تنظیم پرسشنامه و تکمیل آن از طریق مصاحبه حضوری با نمونه‌ای از این مشاغل در سطح شهر مشهد گردید که در آن با یک بررسی اولیه مراکز تجمع و تمرکز در میادین و خیابانهای اصلی و مبادی ورودی و خروجی و حومه شهر شناسایی شد و نهایتاً تعداد ۲۶۵ نمونه مورد مصاحبه قرار گرفتند.

در این بررسی، بیش از ۹۰ نوع فعالیت در ۲۲ گروه تقریباً همگن جا داده شده‌اند. در این بین سهم فروشندگان خیابانی در حدود ۵۱٪ این مشاغل را تشکیل می‌دهد. در واقع این نوع شغل از راحتترین مشاغل می‌باشد و به حداقل سرمایه و تخصص نیاز دارد. به گونه‌ای که حتی کودکان بی‌سواد نیز می‌توانند از عهده آن برآیند.

کارهای هنری، خیاطی، کارآموز آرایشگری و بافندگی در حدود ۱۸٪ مشاغل را تشکیل می‌دهند. بخش عمده آنان یعنی در حدود ۹۰٪ را زنان تشکیل می‌دهند. از آنجا که اینگونه مشاغل به دلیل ماهیتشان احتیاج به تخصصی خاص دارند که زمینه آن نیز داشتن سواد می‌باشد از افراد کاملاً بی‌سواد در این حرفه خبری نیست و تقریباً کلیه افراد آنرا افراد باسواد تشکیل می‌دهند.

جدول شماره ۱: فراوانی افراد در مشاغل مختلف و متوسط ساعات کار در هر گروه شغلی و متوسط درآمد

ردیف	نوع اشتغال	فراوانی	ساعت کار متوسط	متوسط درآمد (ریال در روز)	زن
۱	فروشنده‌گی (لوازم خانگی، سیگار، میوه...)	۱۸۷	۹	۱۶۳۰۰	۱۸
۲	هنرمند (گمازی، مرواریدبافی، مکره‌بافی، نقاشی...)	۳۲	۶	۲۲۰۰۰	۳۰
۳	خیاطی (زیگراکدوز، تولید پوشاک، برشکار...)	۲۳	۶	۱۸۰۰۰	۲۰
۴	کارآموز (خیاطی، موسیقی...)	۵	۷	۳۷۴۰۰	۳
۵	تدریس خصوصی	۲	۶	۲۱۵۰۰	۱
۶	چرخکار	۵	۱۰	۱۶۴۰۰	۳
۷	بافتندگی (قالی، پوشاک...)	۸	۳	۱۷۳۰۰	۸
۸	فالگیر	۳	۷	۱۱۷۰۰	۱
۹	کارگر ساختمان	۵	۸	۱۶۲۰۰	-
۱۰	خدمتکار (مزد، نظافتچی...)	۶	۶	۱۵۲۰۰	۶
۱۱	بنا (بنا، گچ‌کار، تزئینات...)	۸	۸	۳۲۴۰۰	-
۱۲	تزیینات	۲	-	۷۵۰۰	۲
۱۳	بسته‌بندی و پاک کردن (حبوبات، زعفران)	۶	۷	۵۰۰۰	۵
۱۴	باسکولی	۳	۱۱	۲۵۰۰	-
۱۵	تعمیرات (کیف و کفش و ساعت...)	۲۳	۱۰	۱۰۰۰۰	۱
۱۶	تولیدی (مواد غذایی و عروسک و لباس...)	۵	۶	۱۹۵۰۰	۴
۱۷	مسافرکش	۱۰	۱۰	۳۳۵۰۰	-
۱۸	واپس‌یار (میوه‌فروشی و بزاز و حمل‌بار)	۶	۱۳	۲۷۲۰۰	-
۱۹	آرایشگری	۶	۶	۶۰۳۰۰	۶
۲۰	دلال ارز	۶	۸	۳۳۷۰۰	-
۲۱	دلال کوبین	۶	۹	۱۵۸۰۰	-
۲۲	مشاغلی که از هر کدام یک نفر مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند:	۹	-	-	۲
	رشته‌بری، سیمکش ساختمان، قالب‌کار، بازیافت‌کارتن، کلیدساز، راننده لودر، حکاک، پارپر و مسئول بازارروز شهرداری به صورت روزانه				

ساعات و مکان کاری، تعیین قیمت مناسب برای همگان و ایجاد امنیت شغلی نقش مؤثری را در حمایت و پشتیبانی از آنها ایفاء کنند.

۷۹٪ از این افراد اتحادیه‌ها و تعاونیهایی با کنترل و نظارت دولتی را پیشنهاد می‌کنند (و ۷٪ هم اتحادیه‌هایی را که به صورت تعاونی و خود اعضاء این حرفه تشکیل شده و مدیریت شوند پیشنهاد می‌کنند). تمایل ۱۲٪ به اتحادیه‌های با کنترل و مدیریت بخش خصوصی، نشانه عدم توانایی بخش خصوصی از نظر آنها در حل مشکلاتشان می‌باشند.

۳۹٪ بقیه نیز به این دلیل که ایجاد اتحادیه‌های شغلی مخارج اضافی را بر دوش آنها تحمیل خواهد کرد و آزادی فعالیت آنها را محدود خواهد کرد، تمایل به شرکت در اینگونه تشکلهای ندارند مضافاً به اینکه به عقیده اینها مقررات و محدودیتهای اتحادیه‌ها و اصناف مزید بر علت شده و مشکلات آنها و محدودیتهایشان را بیشتر خواهد کرد. بویژه اینکه تجربه در مورد مشاغل دارای مجوز ثابت کرده است که اعضاء متعدد و پراکنده این اتحادیه‌ها نقشی در تعیین هسبأت مدیره، مدیرعامل و تصمیم‌گیرندگان اتحادیه ندارند و کمتر منافع آنها مورد توجه قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است افرادی که تمایل بر تشکیل اتحادیه دارند نیز به این نکته اذعان کرده‌اند.

۱- نتیجه‌گیری

با توجه به غالب بودن فعالیتهای کشاورزی در شهرهای خراسان و عدم توان این بخش در شرایط موجود جهت جذب نیروی فعال وارد شده به بازار کار، مازاد نیروی این بخش که عمدتاً بی‌سواد و یا کم‌سواد با تخصص و مهارت بسیار اندک می‌باشند و حتی شاغلین این بخش به دلیل کمبود تولید و درآمد و عدم وجود امکانات زیستی مناسب در روستاها و شهرهای کوچک و وجود جاذبه‌های زیاد در شهرهای بزرگ استان منجمله مشهد، به این مناطق هجوم می‌آورند و از طرفی دیگر به دلیل رکورد سرمایه‌گذاری و تولید

این زمینه تنها به صرف هزینه‌های هنگفت و تنشهای اجتماعی و فشار بیشتر بر بیکاری منجر می‌شود.

در رابطه با آخرین سنووال یعنی تشکیل صنف و اتحادیه از آنها، ۶۱٪ تمایل خود را به ایجاد صنف و اتحادیه و نظم بخشیدن به فعالیتهایشان را به صورت تعاونی ابراز کردند. زیرا به نظر آنها با تشکیل تعاونیهای شغلی می‌توان از حمایت‌های صنف و دولت و دیگر نهادها و سازمانها برخوردار شد و محدودیتهای و موانع شهرداری نیز به حداقل ممکن برسد. مضافاً اینکه تعاونیهای می‌توانند با منظم کردن

بر طبق مطالعات مندرج در جدول می‌توان گفت حدود ۲۴٪ افراد کاملاً بی‌سوادند. در حدود ۵۵٪ سواد بی‌پایینتر از دیپلم دارند که در گروه کم‌سوادان جای می‌گیرند. (اکثریت بسیار زیادی از آنها را مردان تشکیل می‌دهند) در حالیکه فقط ۲۱٪ افراد دارای سواد قابل قبول می‌باشند که آنها اکثریت شاغلین در این بخش می‌باشند. بررسی وضعیت سواد که خود نشان‌دهنده سطح تخصص و مهارت نیز قابل حذف و جذب در بخش رسمی اقتصاد که تخصص و مهارت و سواد بالا از ضروریات آن می‌باشد نیست و کوشش در

در بخش صنعت و عدم مهارت و تخصص لازم این نیروها، این بخش نیز قادر به جذب این نیروها نبوده و بالاچار این خیل عظیم جمعیت جویای کار به طرف مشاغل غیررسمی روی می‌آورند و روز به روز بر تعداد دلان، سوداگران، خرده‌فروشان، قاچاقچیان کالا، فروشندگان دوره‌گرد و تولیدکنندگان خانگی افزوده می‌شود.

به دلایل متعدد از جمله تمرکز این جمعیت در سنین بالا و اندکی نیز در پایین، بی‌سوادی یا کم‌سوادی گسترده و عدم مهارت و تخصص مناسب، امکان حذف این مشاغل و جذب آنها در فعالیتهای بخش رسمی اقتصاد که به نیروی انسانی باسواد و ماهر در سن مناسب نیاز دارد، وجود ندارد. به عبارت دیگر شرایط فعلی یک جزء جدایی‌ناپذیر از چهره اقتصاد استان و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. در نتیجه باید در کوتاه‌مدت و میان‌مدت روی بهینه کردن این مشاغل، افزایش بهره‌وری و کنترل و نظارت و سازماندهی آنها کار کرد و در عین حال جهت رسیدن به شرایط مطلوب در بلندمدت، با تحول در شرایط اقتصادی، اجتماعی، چه در بخش کشاورزی و دگرگون کردن ساختار زیستی در شهرهای کوچک و روستاها و افزایش بهره‌وری، تولید و درآمد، مهاجرت را حذف کرد و چه در بخش صنعت و در شهرهای بزرگ با گسترش سرمایه‌گذاری و کارآفرینی، زمینه لازم را برای جذب نیروی کار جدید شهرها و حتی مازاد بخش کشاورزی مهیا کرد.

۴- ضرورت رسمی‌سازی

نکته بسیار مهم مربوط به اقتصاد غیررسمی به عنوان یک سلسله‌فعالیت‌های اقتصادی که فرار از کنترل‌های قانونی دولت را به دنبال دارد نشانگر این است که این مطلب نه تنها باید از نظر اقتصادی، بلکه از منظر سیاسی و جامعه‌شناسی نیز مورد مطالعه قرار گیرد. اما در عین حال مطالعات متعدد تقریباً به صورت هم‌جانبه بر آن به عنوان یک پدیده کاملاً اقتصادی تکیه می‌کنند. پدیده‌ای که مقولاتی از این قبیل را

به طور کلی نادیده می‌گیرد. مقوله مربوط به ماهیت سیاسی فعالیت اقتصادی غیررسمی و ضرورت رسمی‌سازی آن از نظر تئوری یکی از نقطه‌نظرهای متنوع در خور اهمیت است. از نقطه‌نظر تئوری حرکت اجتماعی تشکلی و سازماندهی اقتصاد غیررسمی در اشکال غیر سنتی و غیرروستایی‌اش که به انگل و حاشیه‌ای معروف است، یک تصمیم سیاسی است. در حوزه تئوری سیاسی، این نظریه به صورت بالقوه توجه خود را نسبت به ماهیت دولت معطوف می‌کند. به خاطر اینکه فعالیت‌های غیررسمی به هر حال اجازه و امکان تلاوم فعالیت خود را خواهند داشت.

می‌دانیم اقتصاد غیررسمی بیشتر در واکنش به کنترل‌های قانونی دولت که اقتصاد رسمی را به رکود کشانیده نمود پیدا کرده است. در نتیجه تصمیم به قانونمند کردن این مشاغل با مقاومت و عکس‌العمل شدید این بخش مواجه خواهد شد و آنها معمولاً به گونه‌ای تدافعی و دسته‌جمعی عمل می‌کنند تا از حقوق خود صیانت کرده و بتوانند تحت شرایط بهتری به فعالیت ادامه داده با خنثی کردن اقدامات دولت نه تنها به فعالیت خود ادامه دهند بلکه تهیه و آماده‌سازی کالاها و خدمات متنوعی را بخصوص در مناطق فقیر و کم‌درآمد شهرها بخود اختصاص دهند. اما دولت نباید از بخش غیررسمی غافل بماند بلکه باید آنرا مرتباً زیر نظر داشته باشد. اما در عین حال دو بحث مهم مطرح است و اینکه آیا دولت باید به صورت هم‌جانبه کل اقتصاد منجمله بخش غیررسمی را کنترل کند و تحت نظم و قوانین خود در آورد یا اینکه برعکس یک چنین کنترلی اصلاً موردنیاز نیست بخصوص در رابطه با بخش غیررسمی. پاسخ به این سؤال بسیار مشکل است در واقع کنترل‌های دولتی هزینه‌های زیادی را برای اقتصاد رسمی و جامعه به ارمغان می‌آورد. در حالیکه به واسطه دور ماندن بخش غیررسمی از این هزینه‌ها، اینها به مراتب تولیدی‌تر هستند.

جایی که بنگاه‌های بزرگ کالاها و خدمات را با هزینه گزافی برای شهروندان

فراهم می‌آورند، بنگاه‌های کوچک با استفاده از اعضاء خانواده، کارگران ارزان، محیط فیزیکی سکونت به عنوان محل تولید و حتی ابزار و وسایل زندگی به عنوان سرمایه تولید، کالاها و خدمات را با هزینه کمتر ایجاد می‌کنند.

نهایتاً با عنایت به بحث‌های فصول اول، دوم و سوم می‌توان گفت به دلایل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ضرورت دارد این بخش تحت نظم و کنترل دولت درآمد و قوانین و مقررات مختلف را تبعیت کند اما در عین حال عوارض مثبت و بسیار ضروری آن تحت تأثیر قرار نگیرد بخصوص در بعد اشتغالزایی که در شرایط کنونی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. به عبارت دیگر رسمی‌سازی دولت به گونه‌ای باشد که قدرت این بخش را در اشتغالزایی افزایش دهد و با افزایش بهره‌وری تولید، سطح رفاه بالاتری را برای خیل عظیم جمعیت وابسته به آن ایجاد کند. بطور کلی تلاش‌های دولت برای رسمی‌سازی این بخش می‌تواند در راستای رسیدن به اهداف متعددی باشد که هر یک از آنها خود به تنهایی دلیل بسیار محکمی بر ضرورت رسمی‌سازی و سازماندهی فعالیت‌های غیررسمی می‌باشد. مهمترین این اهداف به صورت زیر است:

- ۱- افزایش درآمدهای مالیاتی
- ۲- واقعی کردن آمارهای حساب‌های ملی از تولید و اشتغال
- ۳- ایجاد سیستم‌های مدرن مالی و پولی در اقتصاد
- ۴- حفظ استانداردهای کیفی، ایمنی و بهداشتی
- ۵- گسترش تأمین اجتماعی به بخش عظیمی از نیروی انسانی جامعه
- ۶- ارتقاء سطح بهره‌وری نیروی کار
- ۷- ایجاد یک محیط رقابتی عادلانه برای کلیه فعالیت‌های اقتصادی

۹- نقش تعاون در سازماندهی

در یک تعریف می‌توان گفت تعاونی سازمانی است برای دستیابی به یک یا چند هدف تعریف شده که وجه مشترک اعضاء آن بوده و امکانات لازم برای رسیدن به آن

غیررسمی مجموعه‌ای بسیار گسترده از نظر حجم تولید و اشتغال در کل فعالیتهای اقتصادی است و از امکانات سرمایه‌ای فیزیکی و پولی بالایی برخوردار است. اما در عین حال این امکانات ناچیز و پراکنده می‌باشد.

بسیاری از فعالیتهای تولیدی و خدماتی خانمهای خانه‌دار که با سرمایه ناچیز و اندک در محل مسکونی شکل می‌گیرد، تولیدات صنایع خانگی که با استفاده از امکانات خانوار شکل می‌گیرد و فعالیت فروشندگان خیابانی و دوره‌گرد، از این قبیل می‌باشند.

در بخشهای اقتصاد غیررسمی نتیجه‌ای که از تجزیه و تحلیل علل و عوامل مؤثر بر این بخش و وضعیت شاغلین آن به صورت تحقیق میدانی حاصل شد این بود که این پدیده سالیان طولانی با ما خواهد بود و حتی در آینده نیز به رشد روز افزون خود ادامه خواهد داد و حتی در مواقع بروز بحرانهای رکودی شدت آن افزایش خواهد یافت. در نتیجه در شرایط فعلی و حتی در میانمدت برخورد فیزیکی و حذف اینها بخصوص مشاغل دستفروشی و دوره‌گردی نه تنها ضروری نیست بلکه امکانپذیر نیز نیست و حتی باید آنرا حفظ کرد و در مواردی مانند فعالیتهای خانگی و صنایع خانگی آنرا گسترش داده و از آن حمایت کرد.

در این رابطه ایجاد و گسترش تعاونیهای مختلف تولیدی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند.

در یک نمونه‌گیری که از فعالان خدمات خانگی زنان و دستفروشان خیابانی انجام شده است، در حدود ۷۹٪ از افراد تمایل خود را به ایجاد اتحادیه‌ها و صنفهای مرتبط با این مشاغل به شکل تعاونی یا دولتی و عضویت در آن را اظهار کرده‌اند. بقیه افراد که تمایلی به عضویت در اتحادیه‌ها و تشکلهای ندارند، معتقدند وجود اتحادیه‌ها و تعاونیها با ایجاد مقررات و قوانین دست و پاگیر، مشکلات آنها را افزایش می‌دهد. به خصوص اینکه تجربه ثابت کرده است اعضا متعدد و پراکنده این تشکلهای تقشی



اقتصاد غیررسمی در مفهوم وسیع به فعالیتهای اطلاق می‌گردد که در حسابهای ملی ثبت و ضبط نمی‌گردد و به نوعی با قوانین اقتصادی مرتبط با درآمد، اشتغال، بهداشت و سایر موضوعات منطبق نیست. براساس تعریفی دیگر اقتصاد غیررسمی عبارت از مجموعه فعالیتهای اقتصادی - چه در بخش تولیدی و چه در بخش خدمات - شهروندانی است که کوشش دارند خارج از مدار و چهارچوب تعیین شده اقتصاد رسمی به وسیله کسب درآمد بیشتر نیازهای خود را تأمین نمایند

مشارکت در عضویت و تأمین امکانات موردنیاز می‌باشد.

بنا به تعریف تعاونی‌های نهادی است که امکانات و تواناییهای فکری، جسمی و سرمایه ناچیز و پراکنده افراد را که به تنهایی قادر به نقش‌آفرینی درخور توجه و مورد نیاز افراد نیست جمع‌آوری کرده، با پشتوانه حمایتها و هدایت‌های دولتی، آنها را در راه ارتقاء سطح رفاه اعضا بکار می‌گیرد.

بخش خانوار و غیررسمی از اقتصاد

هدف حتی‌المقدور به وسیله افراد آن فراهم می‌شود.

اشتراک در هدف موجب انسجام و همبستگی بین اعضا می‌شود و اعضا برای رسیدن به آن و بهره‌مند شدن از مزایای تعاونی، امکاناتی را که به صورت ناچیز و پراکنده می‌باشد فراهم آورده و آن را به صورت یک عامل قوی و قدرتمند مورد استفاده قرار می‌دهند. بهره‌مندی عادلانه اعضا تعاونی از مزایای آن، عامل مهمی در جهت گسترش و عمیق‌تر شدن

در تعیین هیأت مدیره، مدیر عامل و تصمیم‌گیرندگان ندارند و منافع آنها کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و تصمیمات معمولاً بدون توجه به شرایط اقتصادی - اجتماعی اعضا و منافع آنان اتخاذ می‌شود و بیشتر منافع دولت مطرح است. به نظر می‌رسد اگر اتحادیه‌ها و تعاونیها بتوانند در نحوه انتخاب مدیران و اتخاذ

بهره‌وری و سطح رفاه حجم عظیمی از جمعیت بردارد.

۲- تدوین و اجراء قوانین مختلف در جهت حمایت از این مشاغل بخصوص حمایت‌های مالی، تکنولوژیکی و آموزشی که منجر به افزایش بهره‌وری خواهد شد.

۴- ایجاد اتحادیه‌های متناسب با مشاغل مختلف و تشویق افراد به ثبت‌نام و

خاص برطرف می‌کند. در صورتی که بازارهای بزرگ که قطعاً با فاصله زیاد از یکدیگر احداث می‌شوند این مزیت را ندارند که به احتمال بسیار زیاد مشتریهای کمتری را خواهد داشت که این منجر به خروج فروشندگان از این بازارها خواهد شد.

ب) ایجاد تعداد زیادی بازار کوچک با ظرفیتهای کمتر در مناطق متعددی از شهر.

شاید بتوان گفت که پیدایش و گسترش بخش غیر رسمی در چند دهه اخیر که کم و بیش معاش بزرگی از جمعیت فعال شهری کشورهای در حال توسعه را تأمین کرده و واکنش اقتصادی این گروه به ناسازگاری راهبردهای توسعه اقتصادی با شرایط بومی به ویژه امکانات محیطی، فنی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه بوده است

تصمیمات به صورت بازتر و دموکراسی گونه عمل کنند و اعضا کادر مدیریتی به گونه‌ای انتخاب شوند که منافع آنها با منافع گروه گره خورده باشد، از اقبال عمومی بهتری برخوردار باشند و بتوانند در این زمینه نقش مهمی را بر عهده بگیرند. خلاصه اینکه بررسیها نشان می‌دهد که مجموعه‌ای گسترده و مهم در اقتصاد، آماده حضور تعاونی و نقش آفرینی فعال و موثر آن می‌باشد که باید با کارشناسی بیشتر زمینه حضور بیشتر و تقویت آنرا فراهم کرد.

۱۰- اقدامات در جهت سازماندهی مشاغل غیر رسمی موجود با تکیه بر گسترش تعاونیها

۱- توقف کلیه اقداماتی که با برخورد فیزیکی سعی در حذف این مشاغل دارند و انحلال همه سازمانهایی که جهت مبارزه با این پدیده ایجاد شده‌اند. تحقیق میدانی نشان داده است که حتی مسئولین این سازمانها راه‌حلهای کنونی را مؤثر ندانسته، خواهان برخورد مناسبتر و موثری می‌باشند. (منظور انواع فعالیتهای دستفروشی و دوره‌گری می‌باشد.)

۲- ایجاد یک نهاد یا سازمان متشکل با اختیارات ویژه و مدیریت متمرکز به طوریکه همه انواع فعالیتهای غیررسمی را تحت پوشش قرار دهد. با این هدف که با سازماندهی و حمایت از این مشاغل، گام مهمی را در جهت ایجاد شغل و افزایش

عضویت در آنها. برای هر عضو یک مجوز صادر شده و به او اجازه فعالیت در محدوده خاصی را بدهند. کسانی که به عضویت اتحادیه‌های فوق در نیایند از ادامه فعالیت در این مشاغل منع شده با آنها برخورد قانونی صورت گیرد. مدیریت این اتحادیه‌ها از بین اعضا بگونه‌ای انتخاب شود که منافع او و کادر مدیریتی با منافع اعضا گره خورده باشد.

این اتحادیه‌ها باید تحت کنترل و نظارت سازمان موضوع بند ۲ باشند. جهت گسترش عضویت در این اتحادیه‌ها، به اعضا اطمینان خاطر داده شود که با متشکل کردن آنها، فشار مالیاتی وجود ندارد و مشمول معافیت مالیاتی خواهند بود.

۵- ایجاد بازار فروش کالا و خدمات برای دستفروشان و دوره‌گردان در شکل تعاونیهای خدماتی که به دو صورت زیر ممکن است:

الف) ایجاد تعداد اندکی بازار اما بزرگ با قابلیت پذیرش چندین هزار دستفروش و دوره‌گرد. مزیت این بازارها در کنترل بهتر و بیشتر دولت و اتحادیه‌ها بر اعضا، ایجاد رقابت بین اعضا و پایین بودن هزینه‌های سازماندهی می‌باشد. اما دارای یک عیب بزرگ است. می‌دانیم یکی از دلایل اصلی توفیق فروشندگان خیابانی در دسترس بودن سریع و آسان برای مشتری می‌باشد که نیاز او را از رفتن به بازار یا مکانی

هرچند اینگونه بازارها کار کنترل را مشکل می‌کند و هزینه‌های سازماندهی را نیز به شدت افزایش می‌دهد، اما از این حیث که مشتریان مختلف به آنها نزدیکترند بسیار مهم است.

۶- احداث میادین میوه و تره‌بار خرده‌فروشی به صورت تعاونی: در مناطق مختلف شهر تعداد زیادی میادین فروش میوه و تره‌بار به صورت خرده‌فروشی که در عین حال بار مورد نیاز خود را به صورت کلی تهیه می‌نمایند احداث شود.

در این حالت اولاً فاصله قیمت بین عمده‌فروش و مشتری با حذف یک واسطه کاهش می‌یابد ثانیاً رقابت این واحدها با مغازه‌های خرده‌فروشی میوه و تره‌بار افزایش یافته منجر به بهبود ارائه خدمات و کاهش قیمت می‌شود. علاوه بر آن همه وانت دارهای میوه‌فروشی و دکه‌ها نیز جمع‌آوری می‌شوند. نمونه اینگونه میادین در شهر تهران به وفور دیده می‌شود. خریداران عمده میوه و سبزیجات در آن با درصد سود پایین یا حق‌العمل کاری اندک، کالاها را به مشتریان می‌فروشند.

۸- ایجاد شرکتهای تعاونی در جهت رساندن کالا به خانوارها. در این حالت به افراد مجوز لازم داده می‌شود تا کالاهای مورد نیاز خانوارها را بر طبق ضوابط و استانداردهای خاص و تحت نظارت و کنترل اتحادیه‌های مختلف در درب منازل تحویل دهند. نمونه اینگونه شرکتها در

اشتراک در هدف موجب انسجام و همبستگی بین اعضاء می شود و اعضاء برای رسیدن به آن و بهره مند شدن از مزایای تعاونی، امکاناتی را که به صورت ناچیز و پراکنده می باشد گرد هم آورده و آن را به صورت یک عامل قوی و قدرتمند مورد استفاده قرار می دهند. بهره مندی عادلانه اعضاء تعاونی از مزایای آن، عامل مهمی در جهت گسترش و عمیق تر شدن مشارکت در عضویت و تأمین امکانات مورد نیاز می باشد.

کشورهای پیشرفته بسیار زیاد می باشد و تقریباً جایگزین واحدهای بسیار و غیررسمی در این زمینه شده است و علاوه بر آن اشتغالزایی بالایی نیز دارد.

۹- ایجاد اتحادیه ها و تعاونیهای تولیدی خدماتی ویژه بانوان

زنان مایل به کار می توانند خدمات متنوعی را به جامعه ارائه دهند و حتی در تولید بعضی کالاها مانند پوشاک بدون استخدام در واحد تولیدی نقش داشته باشند در این حالت می توان راهکارهای متعددی را پیشنهاد کرد که بعضی از مهمترین آنها به صورت زیر است:

الف) ایجاد تعاونیهای خدماتی متعدد و متنوع در جهت ارائه خدماتی همچون پرستاری کودکان، مواظبت از سالمندان، پرستاری از بیماران، انجام کارهای مختلف خانه داری و ... برای تقاضیانی که معمولاً یا قادر نیستند به اینگونه خدمات دسترسی داشته باشند و یا اعتماد لازم را ندارند.

ب) ایجاد تعاونیهای در جهت منسجم کردن فعالیتهایی همچون پاک کردن و بسته بندی حبوبات، غلات و سبزیجات، پیسته و خشکبار، زعفران و ... و بکارگیری زنان در این واحدها چه به صورت ایجاد سالنهای تولید و چه به صورت تهیه مواد و در اختیار قرار دادن آنها به زنان در محل زندگی شان. شوق دومی از مسطوبیت بیشتری در نزد زنان برخوردار است. زیرا آزادی عمل بیشتری دارند و در ساعات دلخواه بکار می پردازند. علاوه بر آن در پایین آوردن هزینه تولید نیز مؤثر است. گسترش واحدهای تولید نان سنتی در شهرهای بزرگ و بازاریابی برای فروش آن در شهرهای بزرگ نیز می تواند بسیار

مؤثر باشد.

ج) ایجاد تعاونیها تولیدی پوشاک مورد نیاز کارخانجات و تولیدیها. بسیاری از کارخانجات و تولیدی پوشاک بخش زیادی از کار خود را منجمه سرهم دوزی، دکمه دوزی، آهارزنی، اتو کردن، دوخت لباسهای زیر و ... را به زنان خانه دار می دهند و آنها با تجهیزاتشان و در محل زندگی خود بخشی از مراحل تولید یک کالا را به انجام می رسانند که اولاً کمکی است به اقتصاد خانواده و ثانیاً واحدها را قادر به تولید با هزینه پایین تر می کند. سازماندهی و متشکل کردن این افراد و ایجاد ارتباط آنها با واحدهای تولیدی با واسطه گیری تعاونیها و اتحادیه ها نقش مهمی را در رسیدن به اهداف کنترلی دولت ایفا می کند.

د) ایجاد قراردادهای کاری بین خانوارها و کارخانجات: واحدهای تولیدی مختلف مانند پوشاک و مواد غذایی می توانند بخشی از مراحل تولید خود را به خانواده ها بسپارند که در این موارد دولت با نظارت و تدوین قراردادهای خاص و گسترش آنها و حمایت از خانوارها، نقش مهمی را در گسترش و منظم کردن این فعالیتها ایفا کند. در هر ۲ مورد (ج و د) دولت می تواند با تعیین شرایط کاری قرارداد، تعیین ساعات کار و دستمزد، بیمه، بهبود شرایط محل کار و نظارتهای دیگر، هم به کارفرما و هم به خانوار اطمینان خاطر را در جهت گسترش اینگونه قراردادهای ایجاد کند.

۱۰- اعطاء وام و تسهیلات مختلف به انواع تعاونیهای فوق.

۱۱- کمک به ایجاد تعاونی اعتبار با خودیاری اعضاء تعاونیهای فوق و جمع کردن پس انداز آنها و هدایت و تجهیز آن در

بین اعضاء با کمک های اضافی دولت.

الف) ایجاد و گسترش بازارچه های خوداشتغالی در سطح شهر به تعداد زیاد بخصوص در اماکن عمومی مانند پارکها و فضای سبز، حمایت جدی دولت و اعطاء تسهیلات در این زمینه مهمترین عامل موفقیت اینگونه بازارچه ها می باشد.

ب) گسترش و تقویت تعاونیهای تولید فرش دستیاف در سطح شهرها و روستاهای استان.

ج) گسترش و تقویت مراکز مرتبط با صنایع دستی و سنتی و ارائه امکانات و تسهیلات بیشتر و آموزشهای فنی به افراد شاغل در این بخش.

د) پیش بینی و اجرای اقداماتی که بازار صنایع خانگی بخصوص فرش و صنایع دستی را در خارج گسترش دهد. کمک به بازاریابی و حذف قوانین و مقررات گمرکی صادراتی مهمترین گام در راه گسترش بازار این محصولات و افزایش اشتغال در این بخش می باشد.

ه) ایجاد یک مرکز اعتباری با خودیاری شاغلین و تجهیز پس اندازهای اندک آنان. و) ایجاد یک مرکز خدمات همگانی برای مشاغل خانگی با وظایفی به صورت زیر:

۱- خرید تجهیزات و دستگاههای گران قیمت که از توان تولیدکنندگان انفرادی این حرفه خارج است و اجاره دادن آنها به افرادی که به این دستگاهها نیاز دارند.

۲- تهیه و یا کمک به تهیه مواد اولیه ارزان، مناسب و مورد نیاز شاغلین به گونه ای که با داشتن کیفیت لازم، کالاهای تولیدی این بخش را با نیازها و شرایط خریداران بازارهای خارجی هماهنگ کند.

۳- تولید کالاهای واسطه ای مناسب و در اختیار قرار دادن آنها به شاغلین به صورت اعتباری.

۴- آموزش افراد شاغل در جهت افزایش مهارت و بهبود بهره وری نیروی کار.

۵- بسا انستقلال خسواسسته های مصرف کنندگان خارجی و تکنولوژی روز به تولید کننده، به تجارتي کردن کالاهای تولیدی آنها کمک کند.

۶- اجرای اقداماتی در جهت بیمه کردن

شود: الف) همه کسانی که مایلند با اتومبیل شخصی در سطح شهر به مسافركشی بپردازند در این اتحادیه عضو شده و مجوز دریافت دارند. هر شخصی که از عضویت پرهیز کند از ادامه کار او تحت هر شرایطی و به شدت جلوگیری شود. به اعضا اطمینان داده شود که فشارهای مالیاتی وجود نداشته و صرفاً هدف ایجاد نظم سازماندهی و کنترل اینگونه مشاغل موردنظر می باشد.

ب) افراد با توجه به ساعات کار آزادشان دسته بندی شده به گونه ای تقسیم بندی شوند که در همه ساعات موردنیاز و سائط نقلیه کافی در اختیار شهروندان باشد. از تردد اعضا در ساعات غیرمجاز جلوگیری شود. حتی افراد بین مکانهای مختلف نیز تقسیم بندی شوند.

منابع

- ۱- جی نومانس و همکاران - اقتصاد غیررسمی، ترجمه منوچهر نوربخش - مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی - ۱۳۷۶.
- ۲- محمدطاهر احمدی - طرح بازار کار غیررسمی در خراسان، ۱۳۷۹.
- ۳- وزارت امور اقتصادی و دارایی - مهاجرت نیروی کار در ایران - تهران ۱۳۷۵.
- ۴- علی اعظم بیگی - جایگاه بخش غیررسمی در ایران - مجله برنامه و بودجه - ۱۳۷۶.
- ۵- نتایج آمارگیری از خانوارهای دارای فعالیت خانگی و نتایج آمارگیری کارگاههای صنعتی - مرکز آمار ایران سال ۱۳۷۵.
- ۶- بخش غیرمتشکل در ایران و برآورد ارزش فعالیتهای اقتصادی خانوارها - بولتن بین الملل - مهر ۱۳۷۶.
- 7- Informal employment in the ... c.williams. 1998.
- 8- Formalizing the informal economy. john. cross.
- 9- Political Economy of formalization. John. cross.
- 10- Formalizing the informal sector: Barriers and costs. Ricardo A.layos.
- 11-The street traders of cali colombia. Word-Development Vol 6.
- 12- Seminar on productivity improvement in informal sector. Lahore. 1995.



کلیه مناطق مرزی در ابعاد وسیع ایجاد شده به افراد مجوزهایی اعطاء شود تا کالاهای تولیدی را در آنجا فروخته و کالاهای موجود در بازارچه را بداخل منتقل کنند.

۱۳- ایجاد تعاونی خدماتی مسافركشان: در این رابطه لازم است اقدامات زیر انجام

فعالیت تولیدی شاغلین و تعیین قیمت تضمینی مناسب برای خرید محصولات آنها تا دست واسطه ها و دلالان در این حرفه کوتاه گردد.

۱۳- گسترش و تقویت بازارچه های مرزی و ارائه تسهیلات ویژه به اعضا این بازارچه ها. این گونه بازارها حتی الامکان در

به عبارت دیگر می توان گفت علیرغم افزایش شدید نرخ بیکاری در شهرها به دلایلی از جمله رشد جمعیت، مهاجرت و آزادسازی نیروی شاغل غیرماهر در کشاورزی؛ در ایران برنامه های اقتصادی دولت بر مبنای گسترش فعالیتهای صنعتی، خدماتی و کشاورزی سرمایه بر با تکنولوژی بالا و نیاز به نیروی انسانی متخصص بوده است که این خود نقش بسیار مهمی را در ایجاد و گسترش فعالیتهای غیررسمی بر عهده داشته است.